

Spatial Analysis of Regional Development of the Country based on Social Indicators

Firouz Jafari^{1*}, Sonya Karami², Afshar Hatami³, Haniyeh Asadzadeh³

1. Assistant Professor, Faculty of Planning and Environmental Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran

2. Ph.D. student, Faculty of Planning and Environmental Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran

3. Ph.D. student, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

(Received: August 15, 2019 –Accepted: January 26, 2020)

Abstract

Understanding how to distribute economic, social, cultural and other opportunities as first step in spatial development planning can improve service delivery and increase equilibrium between regions. This research aimed at study and analysis of 31 provinces of Iran based on social indicators enjoyment. Therefore, the present study is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature and method of research. Required data collected through the statistical yearbook of 1395 (2016) in the form of 52 important social indicators including social, cultural, welfare, educational and health components. Shannon entropy, coefficient of variation (C.V), WASPAS used to weightening of criterias, analysis of indicators dispersion and determining the level of development of provinces respectively in the context of MATLAB. The result shows that there is a lack of social development balance between Iran provinces. Tehran, Isfahan, Khorasan Razavi and Fars are four provinces that placed at higher level of social development and Alborz, Zanjan, Chaharmahal Bakhtiari, Semnan, South Khorasan, North Khorasan, Ilam and Kohgiluyeh and Boyer Ahmad are placed at the most deprived areas of the country in terms of social indicators. Overall, the results show that social development status in Iran's provinces is not synonymous with social and spatial justice and requires proper and effective attention and management.

Keywords

Iran, Social Justice, Spatial Analysis, Regional Development, WASPAS.

* Corresponding Author, Email: fjafari58@gmail.com

تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای کشور بر مبنای شاخص‌های اجتماعی

فیروز جعفری^{۱*}، سونیا کریمی^۲، افشار حاتمی^۳، هانیه اسدزاده^۳

۱. استادیار، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۲. دانشجوی دکتری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۳. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶)

چکیده

شناخت نحوه توزیع امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به عنوان اولین گام در برنامه‌ریزی توسعه فضایی، می‌تواند موجب بهبود خدمات‌رسانی و افزایش تعادل و برابری بین مناطق شود. بنابراین، با توجه به اهمیت شناخت وضعیت مناطق، پژوهش حاضر استان‌های کشور ایران را که بر مبنای آخرین تقسیمات کشوری شامل ۳۱ استان است، از نظر برخورداری از شاخص‌های اجتماعی تحلیل کرده است. بنابراین، پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ در قالب ۵۲ شاخص مهم اجتماعی که شامل داده‌های مرتبط با مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی است، گردآوری شده است. آنتروپی شانون، ضریب تغییرات و واسپاس به ترتیب برای وزن‌دهی، بررسی پراکنش و تعیین سطح توسعه‌یافتگی در بستر متلب به کار گرفته شدند. نتایج پژوهش توسعه نامتوازن و نامتعادل اجتماعی بین استان‌های ایران را نشان داد. به طوری که فقط چهار استان تهران، اصفهان، خراسان رضوی و فارس در سطح بالاتری از توسعه اجتماعی قرار دارند و استان‌های البرز، زنجان، چهارمحال بختیاری، سمنان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد به عنوان محروم-ترین مناطق کشور از لحاظ شاخص‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. در کل، نتایج نشان داد وضعیت توسعه اجتماعی در استان‌های ایران سنتیتی با عدالت اجتماعی و فضایی ندارد و نیازمند توجه و مدیریت صحیح و کارآمد است.

واژگان کلیدی

ایران، آنتروپی شانون، تحلیل فضایی، توسعه منطقه‌ای، عدالت اجتماعی، واسپاس.

* نویسنده مسئول، رایانامه: fjafari58@gmail.com

مقدمه

میسرا معتقد است هدف همه فرایندهای توسعه و به خصوص توسعه منطقه‌ای رفاه انسان است. این شق از توسعه، نه فقط افزایش رفاه بر حسب ارقام کلی را هدف می‌گیرد، بلکه توزیع عادلانه‌تر آن بین نواحی مختلف و گروه‌های مردم را نیز شامل می‌شود. نابرابری‌های منطقه‌ای و فردی نشانه‌های چیزی بسیار ریشه‌دارتر و اساسی‌ترند و سیاست‌های متداول توسعه شناسایی این مسائل بنیادی را جدی نمی‌گیرند.

به نظر وی، اگر توسعه در چارچوب یک سیاست اجتماعی جامع که علت فقر و توسعه‌نیافتگی را به طور مستقیم، مورد حمله قرار دهد، انجام نگیرد، دستیابی به راه‌حلی دیرپا برای از میان بردن فقر و نابرابری در مناطق و اجتماعات امکان‌پذیر نخواهد بود. توسعه منطقه‌ای سه هدف را دنبال می‌کند: تولیدی، اجتماعی و زیست‌شناختی. تلاش توسعه منطقه‌ای بر آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه فراهم کند، تفاوت‌های کیفیت زندگی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل رساند و در نهایت، از میان بردارد (مابوکونج و میسرا، ۱۳۶۸: ۵۵).

دیوید هاروی^۱ نیز در کتاب *عدالت اجتماعی و شهر*، با بررسی مفهوم عدالت اجتماعی، آن را از دید جغرافیایی کنکاش کرده، و معتقد است توزیع عادلانه در مقیاس سرزمینی و منطقه‌ای لزوماً مترادف با توزیع عادلانه در سطوح دیگر یا توزیع عادلانه بین افراد نیست و برای بررسی عدالت منطقه‌ای فرض می‌کند که توزیع عادلانه در سطح مناطق، توزیع عادلانه بین افراد را نیز به دنبال خواهد داشت. هاروی ماهیت عدالت اجتماعی را به کمک سه معیار کلی تشریح می‌کند: نیاز، منفعت عمومی و استحقاق. وی برای تدوین اصول توزیع عادلانه منطقه‌ای تعیین هر یک از مفاهیم یادشده را ضروری می‌داند و معتقد است که احتمالاً می‌توان با ترکیبی از آن‌ها و طرح نظریه‌ای، تخصیص منابع به مناطق را انجام داد و عدالت منطقه‌ای را با مقایسه تخصیص فعلی با تخصیص فرضی سنجید. با این روش امکان تشخیص مناطقی که از استانداردهای عدالت اجتماعی بیشترین فاصله را دارند، میسر خواهد شد (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۹).

1. David Harvey

از این رو، توسعه اجتماعی هسته اصلی نیازها و آمال «مردم سراسر جهان»، «دولت‌ها» و همه بخش‌های «جامعه مدنی» را تشکیل می‌دهد، و سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها پربازده‌ترین هستند، که به مردم بیشترین فرصت را در بهره‌گرفتن از توانایی‌ها، منابع و موقعیت‌ها می‌دهند (Angus, 1995: 25). بنابراین، سیاست‌های توسعه نهادهای مهم بین‌المللی در دهه‌های پایانی قرن بیستم و هزاره سوم توأم با توجه بیشتر به مؤلفه‌های توسعه اجتماعی بوده است (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

بیان مسأله

امروزه یکی از مفاهیم مهم در توسعه منطقه‌ای کشورها، توسعه اجتماعی است. در ایران، براساس پژوهش‌ها، این شق از توسعه در سطح پایینی قرار دارد. یکی از علل ضعف توسعه اجتماعی در مناطق گوناگون، سطح پایین و ناعادلانه رفاه اجتماعی است. برنامه‌ریزان، کارشناسان و صاحب‌نظران امور اقتصادی و اجتماعی منطقه به‌خوبی به این نکته واقف‌اند که برنامه‌های توسعه کشور (مانند برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله)، دیگر نمی‌توانند فقط به بعد مادی یا رشد اقتصادی توجه داشته باشند، زیرا این روند، در چند دهه گذشته مشکلات اجتماعی و فرهنگی را نادیده گرفته است که در میان‌مدت و درازمدت حاصلی جز زیان، و در نهایت، ایجاد موانع در راه توسعه همه‌جانبه و پایدار در کشور نخواهد داشت.

از بررسی سیاست‌های منطقه‌ای در ایران استنتاج می‌شود که ساختار متمرکز تصمیم‌گیری، بی‌توجهی نسبی به منابع سطوح محلی و منطقه‌ای، کم‌توجهی به ظرفیت‌سازی در سطوح محلی و منطقه‌ای، ابهام در تعریف و تعیین حدود سطوح منطقه و بخشی‌نگری به توسعه مانع اصلی تدوین سیاست‌های درست توسعه منطقه‌ای و اجرای آن‌هاست.

در این زمینه مشکل اصلی، نه تنها در ساختار سیاسی و اداره ملی، منطقه‌ای و محلی، و نظام تصمیم‌گیری، بلکه در نوع وظایف، شدت بالای تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و جدایی‌گزینی بخشی در حوزه‌های مختلف است، که در عمل، نقشی مهم را که عوامل محلی می‌توانند در این زمینه داشته باشند، تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

بر همین اساس، این پژوهش در نظر دارد نقش عوامل اجتماعی بر توسعه منطقه‌ای در بین مناطق ایران را تحلیل فضایی کند. زیرا در فرایند توسعه متوازن، پایا، همه‌جانبه و پایدار منطقه‌ای، جامعه

ایران با عدم توازن عمده‌ای مواجه است و یکی از عمده‌ترین موانع، بی‌توجهی به مؤلفه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین، گام اول در جهت توسعه‌یافتگی، شناخت وضع موجود جامعه و ایجاد تصویری گویا از وضعیت مناطق و شاخص‌های توسعه در آن‌ها است. به همین دلیل در پژوهش حاضر وضع موجود و شناخت جایگاه توسعه اجتماعی استان‌های کشور براساس ۵۲ شاخص منتخب بررسی می‌شود تا در صورت توجه، اولویت بیشتری برای مناطق کمتر توسعه‌یافته قائل شد. پرسش‌هایی که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده، این است؛

- نحوه توزیع شاخص‌های اجتماعی در بین استان‌های ایران چگونه است؟

- کدام استان‌های ایران موقعیت مناسبی را از لحاظ اجتماعی در میان سایر استان‌ها دارند، و

کدام محروم‌ترند؟

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های ایران از لحاظ شاخص‌های اجتماعی و رتبه‌بندی آن‌ها براساس ۵۲ شاخص منتخب است. تا بر این اساس میزان توسعه‌یافتگی استان‌های ایران مشخص شود و راهنمایی برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بهتر مدیران و سیاست‌گذاران باشد.

مفاهیم

توسعه منطقه‌ای

توسعه منطقه‌ای مفهومی جدید در متون نظری برنامه‌ریزی است که هدف آن خلق چارچوبی مناسب برای دستیابی به مفهومی باثبات در استانداردهای زندگی شهروندان است (Apostolachet, 2014: 36). در جهان امروز نابرابری‌های منطقه‌ای پدیده‌ای فراگیر و روبه‌گسترش بوده (Lees, 2010: 1)، و شکاف‌های مشخص در میزان توسعه‌یافتگی در بین مناطق و میزان توسعه امکانات نامتعادل است (Kawachi et al., 2002: 48). در واقع، نابرابری، از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است زیرا نابرابری‌های منطقه‌ای در همه اشکال و سطوح آن‌ها می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد (Pacione, 2003: 291). از این رو، توجه به برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای برای دستیابی به توسعه‌ای عادلانه‌تر بین بخش‌های یک کشور از اهداف اصلی هر جامعه است. در واقع، در این

راستا شناسایی رتبه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه، اولین گام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است.

در ایران، مانند سایر کشورهای در حال توسعه که از دهه پنجاه به نوعی راهبردهای توسعه را تجربه کرده‌اند، به ویژه، با اتخاذ راهبرد رشد و برنامه‌های سیاست تعدیل، معضل فقر و شکاف‌های اقتصادی-اجتماعی بیشتر نمایان شد. واضح است نمود چنین معضلاتی به ویژه در استان‌های محروم که مشکلات خاصی دارند، بیشتر است و این امر باعث بروز مشکلات روزافزون و پیچیده‌تر برای مردم می‌شود (کاظمی و زمانیان، ۱۳۸۴: ۱۴۳). بنابراین، همگرایی در توسعه مناطق زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته با شتاب بیشتری نسبت به سایر مناطق، رشد و توسعه یابند (Purohit, 2008: 2). بر این اساس، طبق تعریف نظریه‌پردازان شهری و اجتماعی ابعاد توسعه به نظام‌های منطقه‌ای برمی‌گردد که قبلاً به عنوان مجموعه‌ای از روابط داخلی بین مناطق شهری و روستایی مشخص شده است (Bellu, 2011: 8). بنابراین، مطالعات توسعه منطقه‌ای در چند دهه اخیر به منزله نگرش‌های برقراری عدالت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توزیع بهینه منابع و امکانات، رفاه و ثروت، تخصیص مجدد منابع، رشد متوازن تر نواحی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مطرح بوده و مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان منطقه‌ای قرار گرفته است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶). مطالعه نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و رفاه منطقه‌ای، یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات برای تأمین برابری در خدمات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اصلاح آرایش فضایی نابرابری‌های ملی و منطقه‌ای است (ایزدی و محمدی، ۱۳۹۲: ۸۹).

توسعه اجتماعی

در تعریف‌های قدیمی‌تر، معمولاً توسعه را مترادف با رشد اقتصادی می‌پنداشتند. اما پس از دسترسی برخی کشورهای جهان سوم به رشد اقتصادی، سطح زندگی اکثر مردم در این کشورها در بیشتر زمینه‌ها بدون تغییر باقی ماند و در این شرایط بود که توسعه از حالت مکانیکی، غیرمنعطف و یکسونگر با گرایش اقتصادی به مفهومی پویا، منعطف و چندبعدی تبدیل شد (Dupont, 2007: 193). از این رو، از دهه هفتاد میلادی شاخص‌های اجتماعی به شاخص‌های

توسعه افزوده شد و رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، دموکراسی، عدالت اجتماعی یا توزیع عادلانه ثروت، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ثبات سیاسی و بودجه آموزش و تحقیقات عواملی بودند که به تدریج به عنوان شاخص‌های توسعه پذیرفته شده بودند (لفت ویج، ۱۳۸۳: ۷۴).

مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد، توسعه اجتماعی را تدارک خدمات اجتماعی مورد نیاز شهروندان می‌داند و بر بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی، اصطلاحات ارضی، توسعه محلی، ایمنی در برابر آسیب‌های طبیعی، توجه به بخش‌های گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان و ... تأکید می‌کند (UNCRD, 1988: 32-36).

توسعه اجتماعی از نظر استس (۲۰۰۱) یک حوزه میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی تجربی است که در جست‌وجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه است (Estes, 2001: 14). سازمان ملل توسعه اجتماعی را افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها و سیاست بهره‌گیری از منابع برای سطوح زندگی مطلوب‌تر، که در معنایی وسیع‌تر دربردارنده ارزش‌هایی است که معطوف به توزیع معتبر درآمد، دارایی و فرصت‌هاست تعریف کرده است (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷: ۳۷۹). توسعه، به ویژه توسعه اجتماعی، به مردم، آسایش، رفاه و بهبودی آن‌ها، شکوفاشدن قابلیت‌هایشان و تکوین یک جامعه مدنی مربوط است (Borgatta & Montgomery, 2000: 742-744). به عبارتی، توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی به منابع، کالاها و خدمات و هم دستاوردهای غیرمادی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی^۱ است (UNRISD, 2016).

همچنین، توسعه اجتماعی از مهم‌ترین ابعاد بهبود کیفیت زندگی انسان‌هاست، زیرا اندیشمندان معتقدند بازیگران اصلی در توسعه، انسان و اجتماعات انسانی‌اند (شکویی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۵). در واقع، توسعه اجتماعی ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب در زمینه‌های فقرزدایی، مسکن، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است (پناهی، ۱۳۹۳: ۱۱). علاوه

بر این، در توسعه اجتماعی، مهم‌ترین عوامل فقر و عدالت اجتماعی است (رزمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳). برخی ابعاد دیگر در تعریف‌های توسعه اجتماعی بر ابعادی مانند امکان کسب شغل، کارآفرینی و کاهش تبعیض‌های مختلف (United Nation, 2002)، ارتقای رفاه مردم در کنار فرایندهای پویایی توسعه اقتصادی و پاسخ‌گویی بهتر و دسترسی مساوی تر (Word Bank, 2005) تأکید کرده‌اند.

چارچوب نظری

پس از پایان جنگ جهانی دوم، به ویژه از دهه ۱۹۵۰ به بعد، نظریه‌پردازان بسیاری به منظور دستیابی به توسعه منطقه‌ای، روش‌ها و سیاست‌های متفاوتی را مطرح کردند. برخی کشورها با تلفیق و تعدیل تعدادی از استراتژی‌ها به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. در حالی که برخی کشورهای در حال توسعه به دلیل انتخاب نکردن استراتژی مناسب در کنار مشکلات بنیادی، مانند بی‌سوادی، فقر و رشد زیاد جمعیت، مهیا نبودن شرایط، زمینه‌ها و زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه منطقه‌ای، از موفقیت چندانی برخوردار نشده‌اند. در ضمن باید توجه کرد هر یک از کشورهای در حال توسعه از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی برخوردارند، بنابراین، امکان دارد اجرای برخی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه منطقه‌ای برای کشوری مناسب باشد، حال آنکه برای سایر کشورها مفید نباشد. بنابراین، در این زمینه نمی‌توان یک فرمول کلی ارائه داد (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸).

پدیده «توسعه‌خواهی» در نیم‌قرن گذشته، همواره برای تکامل متحول شده است. به طوری که این تصور را می‌توان در سه دوره زمانی ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵، ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ و ۱۹۹۵ تا کنون تقسیم‌بندی کرد. در دوره نخست، علت توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم، با نظریه نورکس و پدیده دور باطل فقر تحلیل و تعلیل می‌شود. راه خروج از این تسلسل و دستیابی به «توسعه»، انباشت سرمایه و تحصیل رشدی در حد ۵ تا ۷ درصد در اقتصاد معرفی می‌شد. از این رو، در جهت تحقق چنین رشدی در اقتصاد، مدل‌های رشد متوازن همراه با فشاری بزرگ توسط رزنتاین - رودن و رشد نامتوازن توسط آلبرت هیرشمن مطرح شد (نوبخت و همکاران، ۱۳۹۰:

(۲۳۱). بعد از آن، نظریه قطب رشد توسط فرانسوا پرو^۱ مطرح شد. با این نظریه در دهه ۶۰ به مرور زمان، ارزش و اعتبار آن به عنوان ابزار سیاستگذاری در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. به‌طور کلی، قطب‌های رشد شهری- صنعتی به عنوان ابزاری برای توسعه مناطق عقب‌مانده و برای جلوگیری از تمرکز بیش از حد متروپل‌ها اجرا شد. بنابراین، این رهیافت، بیشتر در کشورهای آسیا و آمریکای لاتین به‌کار گرفته شد که رشد شهری و پیشرفت صنعتی بهتری داشتند. در ایران نیز این مدل توسعه، در برنامه‌های پنج‌ساله عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۷) و پنجم (۵۶-۱۳۵۲) به‌کار گرفته شد و علاوه بر تهران، قطب‌های توسعه صنعتی جدیدی نظیر اصفهان، اهواز، اراک و تبریز نیز شکل گرفتند و بعدها قطب‌های دیگری مانند قزوین و ساوه نیز بدان‌ها اضافه شدند. حتی ایجاد کشت و صنعت‌ها نیز بر اساس همین ایده در مناطق مختلف کشور به منظور ایجاد قطب‌های کشاورزی اجرا شدند (کلانتری و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

می‌توان گفت پس از نظریه مکان مرکزی، نظریه قطب رشد تحولی عمده و اساسی در تفکر برنامه‌ریزی آمایشی و مفهوم توسعه منطقه‌ای به حساب می‌آید. علاوه بر آن با پیوند دادن توسعه منطقه‌ای به توسعه ملی، ابزاری برای تحلیل امر توسعه در مناطق مختلف (در رابطه با تعادل و عدم تعادل منطقه‌ای) در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد. اما این استراتژی در بسیاری از این زمینه‌ها موفقیت کمتری داشت. در سال ۱۹۶۷ نظریه مرکز- پیرامون توسط جان فریدمن^۲ مطرح شد. مدل مرکز- پیرامون همچنین، به عنوان مدل غالب، شکل‌دهنده تفکرات توسعه منطقه‌ای در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شناخته شد. فریدمن معتقد است که نظریه مرکز- پیرامون نه تنها در مسائل اقتصادی، بلکه در زمینه ساختارهای اجتماعی- فرهنگی و سیاسی نیز صادق است. او استدلال می‌کند با تکمیل این فرایند، تصمیم‌گیری سیاسی از حالت کاملاً متمرکز به نظام تصمیم‌گیری غیرمتمرکز تغییر می‌کند. روابط اجتماعی و فرهنگی در حالت ارتباط بین‌گروهی توسعه می‌یابد و مبادلات اقتصادی نیز از شکل متمرکز خارج می‌شود و در این فرایند به کاهش

1. Francios Perroux
2. John Friedmann

عدم تعادل‌های منطقه‌ای کمک می‌کند (آلن و همکاران، ۱۳۷۵: ۶۴). هیلهورست^۱ (۱۹۹۰) نظریه سیستمی توسعه منطقه‌ای را مطرح کرد (کلانتری، ۱۳۹۱). این نظریه با مدل مرکز-پیرامون ارتباط نزدیکی دارد. اما در حالی که مدل مرکز-پیرامون اصل را بر مرکز می‌گذارد، در اینجا نشان داده شود چگونه تحت تأثیر عامل فاصله و نیز عوامل صرفه‌جویی‌های مقیاس و ادغام، مراکزی با قدرت اقتصادی و سیاسی-اداری، پدیدار می‌شوند که به صورت کانون‌های موجود نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها عمل می‌کنند. این نظریه، از یک طرف مبتنی بر برخی عناصر نظریه پرو و از طرف دیگر مبتنی بر تشخیص اهمیت دسترسی بر اطلاعات جهت تصمیم‌گیری مؤثر است (هیلهورست، ۱۳۷۰: ۶۴).

دیوید هاروی مفهوم عدالت اجتماعی منطقه‌ای را به این صورت قابل دسترس می‌داند که (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۹):

۱. توزیع درآمد و منابع به روشی باشد که الف) نیازهای جمعیت هر منطقه برآورده شود؛ ب) تخصیص منابع به طریقی صورت گیرد که ضرایب فزاینده‌ی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد؛ ج) تخصیص منابع اضافی به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر باشد.
 ۲. سازوکارهای سازمانی و اقتصادی و سیاسی به روشی باشد که دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق تا حد امکان بهبود یابد.
- اگر این شرایط موجود باشد، می‌توان به توزیع عادلانه منطقه‌ای دست یافت.

پیشینه پژوهش

مطالعاتی که در ایران برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی انجام گرفته، به شرح ذیل است. پوراصغر سنگاچین و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی» میزان توسعه‌یافتگی استان‌های ایران با مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی را بررسی کردند. در نهایت، مشخص شده

است که در مجموع، ۱۳ شاخص انتخابی سه استان کهگیلویه و بویراحمد، تهران و سمنان در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند.

فاضلی و همکاران (۱۳۹۲)؛ در تحقیق خود با عنوان «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان» وضعیت کنونی توسعه اجتماعی در ایران و وضعیت رتبه‌ای ایران با سایر کشورهای جهان و کشورهای شانزده‌گانه منطقه را گزارش کردند و به این نتیجه رسیدند که جایگاه ایران مناسب نیست و نیازمند تأملی جدی پیرامون چرایی این امر و چگونگی بهبود و تغییر آن است. زنگنه (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور» وضعیت مناطق شهری کشور را از نظر برخورداری از شاخص‌های توسعه انسانی بررسی می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد در سه شاخص آموزش، تولید ناخالص و امید به زندگی مناطق شهری استان سیستان، کردستان و آذربایجان غربی نامطلوب‌ترین وضعیت و مناطق شهری استان تهران، اصفهان و قزوین مطلوب‌ترین وضعیت را داشته‌اند.

فتح‌اللهی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «شکاف توسعه استان‌های ایران» در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ سطح توسعه استان‌های ایران از لحاظ شاخص‌های مختلف با دو روش تاکسونومی عددی و تاپسیس بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که استان‌های مرکزی رتبه‌های اول توسعه را دارند و با وجود کاهش انحراف معیار و دامنه تغییرات شاخص توسعه، هنوز هم نابرابری منطقه‌ای در جامعه ایران حاکم است.

پریزادی و میرزاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی» سطح توسعه‌یافتگی استان‌های ایران را در سال ۱۳۹۰ با به‌کارگیری ۳۳ شاخص منتخب با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد استان تهران در بالاترین سطح توسعه و استان سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین سطح توسعه قرار دارد.

نیسی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران» درجه توسعه انسانی در استان‌های کشور را بررسی کردند. در پژوهش آن‌ها سه شاخص آموزش، امید به زندگی و تولید ناخالص داخلی به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان داد کمترین امتیاز بدون احتساب نفت خام

و گاز طبیعی به مربوط به استان‌های سیستان، کردستان، آذربایجان غربی و بیشترین امتیاز مربوط به استان‌های تهران، یزد و اصفهان است.

در مطالعات خارجی، دفتر امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در گزارشی با عنوان «تأمین مالی توسعه اجتماعی جهان» توسعه اجتماعی را این چنین معرفی می‌کند: توسعه اجتماعی یا پیشرفت اجتماعی به رفاه افراد و کارکرد سازگار جوامع اشاره دارد. توسعه اجتماعی دربرگیرنده تلاش‌ها، مسائل، علایق و بخش‌های توسعه و چشم‌انداز اجتماعی برای ملاحظه حوزه‌های فعالیت انسانی است. چشم‌انداز اجتماعی فرد را در سازمان ملل ارتباط با جامعه می‌بیند و ابعاد متنوع نیازهای انسان را در نظر می‌گیرد (United Nation, 2002).

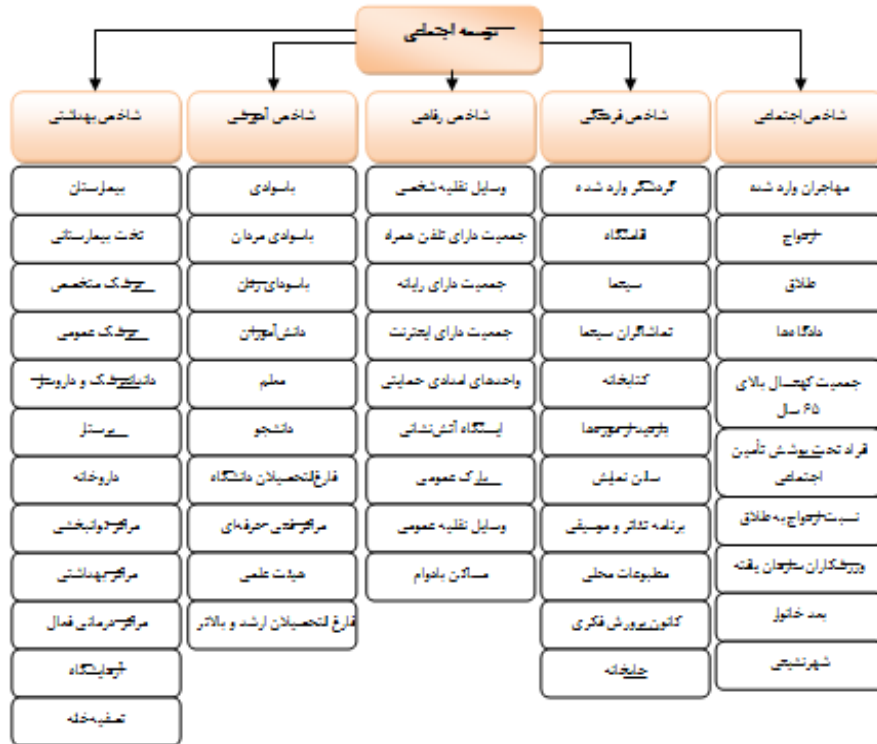
بر اساس گزارش بانک توسعه آمریکا، «تجربه برخی کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین نشان می‌دهد در صورتی که رشد و توسعه اقتصادی با غفلت از توسعه اجتماعی صورت گیرد یا با سیاست مناسبی برای توسعه اجتماعی همراه نباشد، فقر و نابرابری را گسترش خواهد داد و بر محرومیت اجتماعی و بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی خواهد افزود؛ و در مجموع، روند توسعه اجتماعی را کند، و آن را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. همان‌طور که تأکید دارد، موانع پیشبرد توسعه اجتماعی در منطقه عمیقاً در مسائل به هم پیوسته نابرابری و فقر ساختاری ریشه دارند (Inter-American Development, 2003).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ در قالب ۵۲ شاخص گردآوری شده‌اند. ابتدا شاخص‌ها با مدل آنتروپی شانون وزندهی شدند. سپس، تکنیک ضریب تغییرات برای نشان‌دادن نحوه پراکنش متغیرها در محدوده مورد مطالعه به کار گرفته شد و برای رتبه‌بندی استان‌ها مدل واسپاس^۱ در نرم‌افزار متلب اجرا شد. در نهایت، نقشه برای نمایش سطوح برخورداری با نتایج واسپاس در نرم‌افزار Arc GIS 10.7 تولید شد. در جدول ۱ شاخص‌های پژوهش با وزن آنتروپی آن‌ها بیان شده است.

جدول ۱. شاخص‌های مورد استفاده پژوهش

ردیف	شاخص	کد	ردیف	شاخص	کد
۱	مهاجران وارد شده	۵۱	۲۷	ایستگاه آتش نشانی	۵۲۷
۲	ازدواج	۵۲	۲۸	پارک عمومی	۵۲۸
۳	طلاق	۵۳	۲۹	وسایل نقلیه عمومی	۵۲۹
۴	نسبت ازدواج به طلاق	۵۳	۳۰	مساکن بادوام	۵۳۰
۵	جمعیت بالای ۶۵ سال	۵۵	۳۱	باسوادی	۵۳۱
۶	افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی	۵۶	۳۲	باسوادی مردان	۵۳۲
۷	تعداد دادگاه	۵۷	۳۳	باسوادی زنان	۵۳۳
۸	ورزشکاران سازمان یافته	۵۸	۳۴	دانش آموزان	۵۳۴
۹	بعد خانوار	۵۹	۳۵	معلم	۵۳۵
۱۰	شهرنشینی	۵۱۰	۳۶	دانشجو	۵۳۶
۱۱	گردشگران وارد شده	۵۱۱	۳۷	فارغ التحصیلان دانشگاه	۵۳۷
۱۲	اقامتگاه	۵۱۲	۳۸	فارغ التحصیلان ارشد و بالاتر	۵۳۸
۱۳	سینما	۵۱۳	۳۹	مراکز فنی و حرفه‌ای	۵۳۹
۱۴	تماشاگران سینما	۵۱۴	۴۰	هیئت علمی	۵۴۰
۱۵	کتابخانه	۵۱۵	۴۱	بیمارستان	۵۴۱
۱۶	بازدید از موزه‌ها	۵۱۶	۴۲	تخت بیمارستان	۵۴۲
۱۷	سالن نمایش	۵۱۷	۴۳	پزشک متخصص	۵۴۳
۱۸	برنامه تئاتر و موسیقی	۵۱۸	۴۴	پزشک عمومی	۵۴۴
۱۹	مطبوعات محلی	۵۱۹	۴۵	دندانپزشک و داروساز	۵۴۵
۲۰	کانون پرورش فکری	۵۲۰	۴۶	پرستار	۵۴۶
۲۱	چاپخانه	۵۲۱	۴۷	داروخانه	۵۴۷
۲۲	وسایل نقلیه شخصی	۵۲۲	۴۸	مراکز توانبخشی	۵۴۸
۲۳	جمعیت دارای تلفن همراه	۵۲۳	۴۹	مراکز بهداشتی	۵۴۹
۲۴	جمعیت دارای رایانه	۵۲۴	۵۰	مراکز درمانی فعال	۵۵۰
۲۵	دسترسی به اینترنت	۵۲۵	۵۱	آزمایشگاه	۵۵۱
۲۶	واحدهای امدادی حمایتی	۵۲۶	۵۲	تصفیه‌خانه	۵۵۲



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

تکنیک‌ها

آنتروپی شانون

آنتروپی شانون توسط شانون و ویور (۱۹۷۴) مطرح شد. آنتروپی بیان‌کننده مقدار عدم اطمینان در یک توزیع احتمال پیوسته است. ایده اصلی این روش آن است که هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص اهمیت بیشتری دارد (ساسان‌پور و حاتمی، ۱۳۹۶: ۸). این تکنیک شامل مراحل زیر است:

- تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری: ماتریس تصمیم یا همان ماتریس امتیازدهی m گزینه براساس n معیار است.

- محاسبه محتوای ماتریس تصمیم‌گیری از تابع زیر:

$$P_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^m x_{ij}}$$

- تعیین مقدار E_j از طریق تابع زیر:

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m P_{ij} \ln(P_{ij}) = -\frac{1}{Lnm}$$

- تعیین درجه انحراف هر معیار (d_j) از کسر معیار مقدار E_j از عدد یک.

- تعیین وزن هر معیار با تابع زیر:

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{i=1}^n d_i}$$

ضریب تغییرات

ضریب تغییرات یا ضریب پراکندگی، نحوه توزیع داده‌ها در یک قلمروی جغرافیایی را نشان می‌دهد و برای مقایسه پراکندگی دو یا چند صفت به کار می‌رود. مقدار بالای ضریب نشان‌دهنده نابرابری در توزیع شاخص‌ها است. در این فرمول C.V ضریب پراکندگی، S انحراف معیار و M میانگین است (Verrill & Johnson, 2007: 12).

$$CV = \frac{S}{M}$$

واسپاس

مهم‌ترین عامل در انتخاب روش تصمیم‌گیری چندمعیاره میزان دقت مدل است. مدل واسپاس از مدل‌های ترکیبی است که ارزیابی ضرب وزنی تجمعی نامیده می‌شود. این مدل توسط ادموندوس کازیمیرا زاودسکاس (۲۰۱۲) مطرح شده است. میزان دقت مدل واسپاس به دلیل ترکیب دو مدل مستقل تصمیم‌گیری چندمعیاره WSM (مدل جمع وزنی) و مدل WPS (مدل ضرب وزنی) بسیار بالا است. الگوریتم واسپاس چهار مرحله دارد.

الف) الگوریتم واسپاس

مرحله اول - تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری: ماتریس تصمیم یا همان ماتریس امتیازدهی m گزینه بر اساس n معیار است.

$$X = \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1n} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ x_{m1} & x_{m2} & \dots & x_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله دوم - نرمال‌سازی داده‌ها: نرمال‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری برای هر یک از معیارهای مثبت و منفی به‌طور جداگانه با فرمول‌های زیر انجام می‌گیرد:

$$\tilde{x} = \begin{cases} \frac{x_{ij}}{\max x_{ij}} & \text{برای معیارهای مثبت} \\ \frac{\min x_{ij}}{x_{ij}} & \text{برای معیارهای منفی} \end{cases}$$

مرحله سوم - اندازه‌گیری WAS ($Q_i^{(1)}$) و WPM ($Q_i^{(2)}$) برای هر یک از گزینه‌ها از طریق فرمول‌های زیر:

$$Q_i^{(2)} = \prod_{j=1}^m (\tilde{x}_{ij})^{w_j}$$

مرحله چهارم - محاسبه اهمیت نسبی گزینه نام:

$$Q_i = \lambda Q_i^{(1)} + (1 - \lambda) Q_i^{(2)}$$

مرحله پنجم - رتبه‌بندی گزینه‌ها

یافته‌های پژوهش

از معیارهای مهم برای مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره وزن‌دهی برای هر یک از شاخص‌ها است. برای تعیین وزن نسبی هر یک از شاخص‌ها آنتروپی شانون به‌کار گرفته شد که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. وزن آنتروپی شاخص‌ها

وزن	کدشاخص	وزن	کدشاخص	وزن	کدشاخص
۰٫۰۱۸	۰۳۷	۰٫۰۵۱	۰۱۹	۰٫۰۱۶	۰۱
۰٫۰۳۷	۰۳۸	۰٫۰۰۵	۰۲۰	۰٫۰۱۳	۰۲
۰٫۰۰۵	۰۳۹	۰٫۰۴۳	۰۲۱	۰٫۰۲۱	۰۳
۰٫۰۱۲	۰۴۰	۰٫۰۲۸	۰۲۲	۰٫۰۰۴	۰۳
۰٫۰۱۵	۰۴۱	۰٫۰۱۵	۰۲۳	۰٫۰۱۸	۰۵
۰٫۰۲۳	۰۴۲	۰٫۰۱۹	۰۲۴	۰٫۰۲۰	۰۶
۰٫۰۱۸	۰۴۳	۰٫۰۱۹	۰۲۵	۰٫۰۱۲	۰۷
۰٫۰۰۹	۰۴۴	۰٫۰۱۳	۰۲۶	۰٫۰۱۵	۰۸
۰٫۰۱۳	۰۴۵	۰٫۰۱۱	۰۲۷	۰٫۰۰۰	۰۹
۰٫۰۱۲	۰۴۶	۰٫۰۲۱	۰۲۸	۰٫۰۰۱	۰۱۰
۰٫۰۲۳	۰۴۷	۰٫۰۲۹	۰۲۹	۰٫۰۵۳	۰۱۱
۰٫۰۲۷	۰۴۸	۰٫۰۲۸	۰۳۰	۰٫۰۳۲	۰۱۲
۰٫۰۰۹	۰۴۹	۰٫۰۰۰۰۴	۰۳۱	۰٫۰۲۳	۰۱۳
۰٫۰۱۴	۰۵۰	۰٫۰۰۰۰۲	۰۳۲	۰٫۰۷۰	۰۱۴
۰٫۰۲۹	۰۵۱	۰٫۰۰۰۰۷	۰۳۳	۰٫۰۰۷	۰۱۵
۰٫۰۱۲	۰۵۲	۰٫۰۱۴	۰۳۴	۰٫۰۷۵	۰۱۶
		۰٫۰۱۰	۰۳۵	۰٫۰۰۷	۰۱۷
		۰٫۰۱۹	۰۳۶	۰٫۰۱۴	۰۱۸

برای تعیین وضعیت موجود پراکنش شاخص‌های اجتماعی در پهنه استان‌های کشور ضریب تغییرات به کار گرفته شد. براساس جدول ۳، حدود ۲۵ شاخص، ضریب تغییراتی بالاتر از یک، و ۷ شاخص ضریب تغییراتی بالاتر از ۰٫۹ دارند که حاکی از عدم پراکنش متوازن شاخص‌های اجتماعی در پهنه استان‌های کشور است.

جدول ۳. ضریب تغییرات شاخص‌های مورد مطالعه

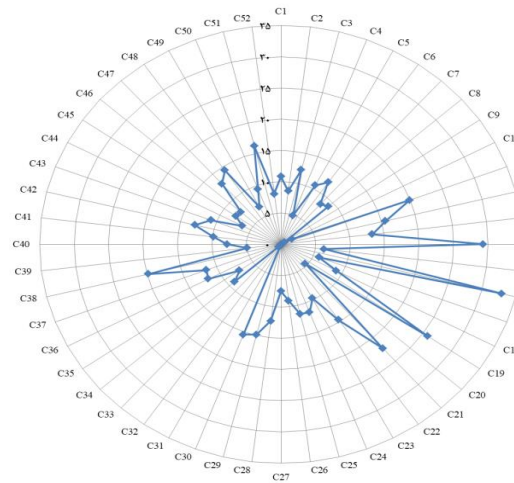
کد	شاخص	ضریب تغییرات	کد	شاخص	ضریب تغییرات
۵۱	مهاجران وارد شده	۱,۰۸	۵۲۷	ایستگاه آتش نشانی	۰,۷۵
۵۲	ازدواج	۰,۸۶	۵۲۸	پارک عمومی	۱,۲۴
۵۳	طلاق	۱,۲۳	۵۲۹	وسایل نقلیه عمومی	۱,۴۹
۵۳	نسبت ازدواج به طلاق	۰,۴۹	۵۳۰	مسکن بادوام	۱,۵۵
۵۵	جمعیت بالای ۶۵ سال	۱,۰۷	۵۳۱	باسوادی	۰,۰۴
۵۶	افراد تحت تأمین اجتماعی	۱,۲۱	۵۳۲	باسوادی مردان	۰,۰۳
۵۷	تعداد دادگاه	۰,۸۶	۵۳۳	باسوادی زنان	۰,۰۶
۵۸	ورزشکاران سازمان یافته	۰,۹۱	۵۳۴	دانش آموزان	۰,۹۰
۵۹	بعد خانوار	۰,۰۶	۵۳۵	معلم	۰,۷۴
۵۱۰	شهرنشینی	۰,۱۸	۵۳۶	دانشجو	۱,۱۹
۵۱۱	گردشگران وارد شده	۲,۰۰	۵۳۷	فارغ التحصیلان دانشگاه	۱,۱۶
۵۱۲	اقامتگاه	۱,۵۶	۵۳۸	فارغ التحصیلان ارشد و بالاتر	۱,۹۸
۵۱۳	سینما	۱,۳۳	۵۳۹	مراکز فنی و حرفه‌ای	۰,۵۰
۵۱۴	تماشاگران سینما	۲,۹۳	۵۴۰	هیئت علمی	۰,۷۸
۵۱۵	کتابخانه	۰,۶۲	۵۴۱	بیمارستان	۰,۹۹
۵۱۶	بازدید از موزه‌ها	۳,۲۹	۵۴۲	تخت بیمارستان	۱,۲۹
۵۱۷	سالن نمایش	۰,۵۹	۵۴۳	پزشک متخصص	۱,۰۹
۵۱۸	برنامه تئاتر و موسیقی	۰,۹۰	۵۴۴	پزشک عمومی	۰,۶۴
۵۱۹	مطبوعات محلی	۲,۵۸	۵۴۵	دندانپزشک و داروساز	۰,۸۰
۵۲۰	کانون پرورش فکری	۰,۴۷	۵۴۶	پرستار	۰,۷۸
۵۲۱	چاپخانه	۲,۲۲	۵۴۷	داروخانه	۱,۲۹
۵۲۲	وسایل نقلیه شخصی	۱,۴۷	۵۴۸	مراکز توانبخشی	۱,۴۴
۵۲۳	جمعیت دارای تلفن همراه	۰,۹۸	۵۴۹	مراکز بهداشتی	۰,۶۸
۵۲۴	جمعیت دارای رایانه	۱,۱۷	۵۵۰	مراکز درمانی فعال	۰,۹۴
۵۲۵	دسترسی به اینترنت	۱,۱۵	۵۵۱	آزمایشگاه	۱,۶۲
۵۲۶	واحدهای امدادی حمایتی	۰,۹۱	۵۵۲	تصفیه خانه	۰,۸۱

بیشترین نابرابری‌ها بین شاخص‌های ۱۶c (بازدید از موزه‌ها)، ۱۴c (تماشاگران سینما) و ۱۹c (مطبوعات محلی) به ترتیب، با امتیازات ۳,۲۹، ۲,۹۲ و ۲,۵۸ است. در مقابل، کمترین میزان نابرابری به ترتیب، بین شاخص‌های ۳۳c (باسوادی زنان)، ۳۱c (باسوادی کل) و ۳۲c (باسوادی مردان) به ترتیب، با امتیازات ۰,۰۵، ۰,۰۴ و ۰,۰۲ است. به طور کلی، ۶۱,۵۳ درصد شاخص‌ها امتیازات بالاتر از ۰,۸ دارند که حاکی از نابرابری شاخص‌های مورد مطالعه در پهنه استان‌های کشور است.

جدول ۴. شاخص‌ها با بیشترین نابرابری

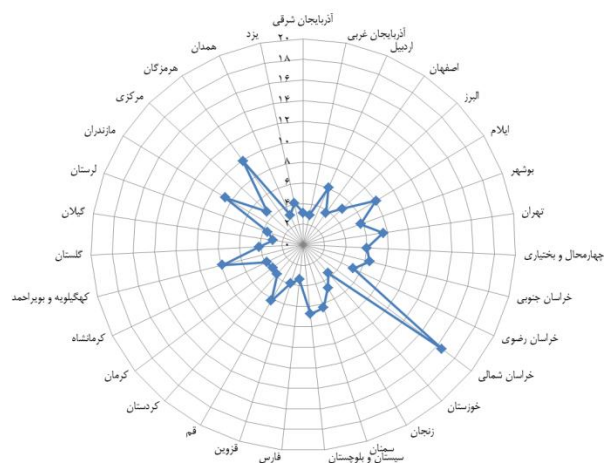
رتبه	کد	شاخص	امتیاز	رتبه	کد	شاخص	امتیاز
۱	C۱۶	بازدید از موزه‌ها	۳,۲۹	۱۷	C۳	طلاق	۱,۲۳
۲	C۱۴	تماشاگران سینما	۲,۹۳	۱۸	C۶	افراد تحت تأمین اجتماعی	۱,۲۱
۳	C۱۹	مطبوعات محلی	۲,۵۸	۱۹	C۳۶	دانشجو	۱,۱۹
۴	C۲۱	چاپخانه	۲,۲۲	۲۰	C۲۴	جمعیت دارای رایانه	۱,۱۷
۵	C۱۱	گردشگران وارد شده	۲,۰۰	۲۱	C۳۷	فارغ‌التحصیلان دانشگاه	۱,۱۶
۶	C۳۸	فارغ‌التحصیلان ارشد و بالاتر	۱,۹۸	۲۲	C۲۵	دسترسی به اینترنت	۱,۱۵
۷	C۵۱	آزمایشگاه	۱,۶۲	۲۳	C۴۳	پزشک متخصص	۱,۰۹
۸	C۱۲	اقامتگاه	۱,۵۶	۲۴	C۱	مهاجران وارد شده	۱,۰۸
۹	C۳۰	مسکن بادوام	۱,۵۵	۲۵	C۵	جمعیت بالای ۶۵ سال	۱,۰۷
۱۰	C۲۹	وسایل نقلیه عمومی	۱,۴۹	۲۶	C۴۱	بیمارستان	۰,۹۹
۱۱	C۲۲	وسایل نقلیه شخصی	۱,۴۷	۲۷	C۲۳	جمعیت دارای تلفن همراه	۰,۹۸
۱۲	C۴۸	مراکز توانبخشی	۱,۴۴	۲۸	C۵۰	مراکز درمانی فعال	۰,۹۴
۱۳	C۱۳	سینما	۱,۳۳	۲۹	C۸	ورزشکاران سازمان یافته	۰,۹۱
۱۴	C۴۷	داروخانه	۱,۲۹	۳۰	C۲۶	واحدهای امدادی حمایتی	۰,۹۱
۱۵	C۴۲	تخت بیمارستان	۱,۲۹	۳۱	C۱۸	برنامه تئاتر و موسیقی	۰,۹۰
۱۶	C۲۸	پارک عمومی	۱,۲۴	۳۲	C۳۴	دانش آموزان	۰,۹۰

برای نمایش بهتر نتایج در قالب نمودار امتیازات شاخص‌ها در عدد ثابت ۱۰ ضرب شدند. شکل ۲ نابرابری پراکنشی شاخص‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۲. نمودار نابرابری پراکنشی شاخص‌ها

شکل ۳ پراکنش شاخص‌ها را بین استان‌های کشور نشان می‌دهد. برای نمایش بهتر نتایج امتیازات شاخص‌ها در عدد ثابت ۱۰ ضرب شدند. جهت نمودار به سمت بیرون حاکی از نابرابری پراکنشی شاخص‌ها در سطح استان‌های کشور است. استان‌های خراسان شمالی، هرمزگان و مازندران، بیشترین و استان‌های گیلان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، کمترین نابرابری پراکنشی در شاخص‌های اجتماعی را دارند.



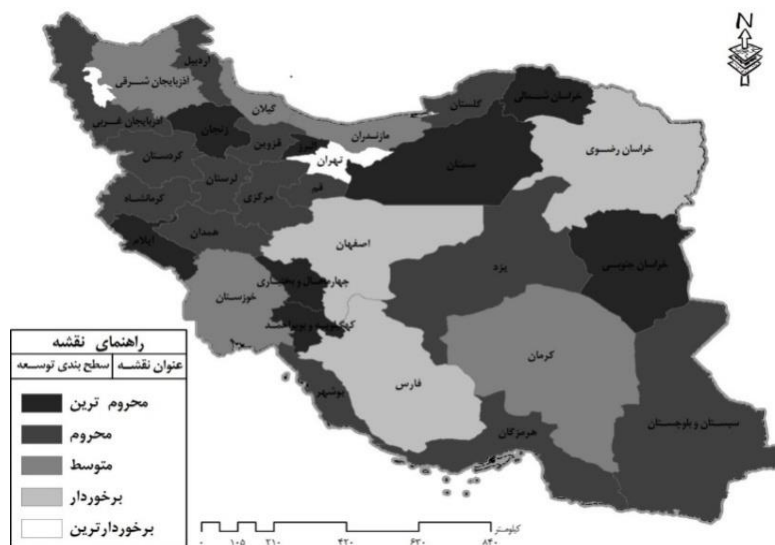
شکل ۳. نمودار نابرابری پراکنش شاخص‌ها در استان‌ها

نتایج مدل واسپاس برای استان‌های کشور در زمینه شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهد استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان و فارس، برخوردارترین و استان‌های خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد محروم‌ترین مناطق کشور از نظر شاخص‌های اجتماعی هستند.

جدول ۵. نتایج مدل واسپاس

استان	wsm	wpm	q1	q2	landa	score	رتبه
آذربایجان شرقی	۰٫۲۰	۰٫۱۵	۰٫۰۰۰۰۰۲۴	۰٫۰۰۰۰۰۱۸	۰٫۴۲	۰٫۱۷	۶
آذربایجان غربی	۰٫۱۴	۰٫۰۹	۰٫۰۰۰۰۰۱۱	۰٫۰۰۰۰۰۰۶	۰٫۳۷	۰٫۱۱	۱۰
اردبیل	۰٫۱۰	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۹	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۲۴	۰٫۰۷	۱۶
اصفهان	۰٫۲۹	۰٫۱۹	۰٫۰۰۰۰۰۵۲	۰٫۰۰۰۰۰۲۸	۰٫۳۵	۰٫۲۲	۳
البرز	۰٫۱۲	۰٫۰۴	۰٫۰۰۰۰۰۰۹	۰٫۰۰۰۰۰۰۱	۰٫۱۳	۰٫۰۵	۲۴
ایلام	۰٫۰۸	۰٫۰۲	۰٫۰۰۰۰۰۲۰	۰٫۰۰۰۰۰۰۰	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۳۰
بوشهر	۰٫۰۹	۰٫۰۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۹	۰٫۰۰۰۰۰۰۲	۰٫۱۷	۰٫۰۶	۲۳
تهران	۰٫۸۵	۰٫۶۳	۰٫۰۰۰۰۶۷۹	۰٫۰۰۰۰۳۱۹	۰٫۳۲	۰٫۷۰	۱
چهارمحال و بختیاری	۰٫۰۸	۰٫۰۴	۰٫۰۰۰۰۰۰۹	۰٫۰۰۰۰۰۰۲	۰٫۱۴	۰٫۰۵	۲۶
خراسان جنوبی	۰٫۰۸	۰٫۰۳	۰٫۰۰۰۰۰۱۰	۰٫۰۰۰۰۰۰۱	۰٫۰۷	۰٫۰۳	۲۸
خراسان رضوی	۰٫۳۱	۰٫۲۱	۰٫۰۰۰۰۰۷۵	۰٫۰۰۰۰۰۳۶	۰٫۳۳	۰٫۲۵	۲
خراسان شمالی	۰٫۱۰	۰٫۰۲	۰٫۰۰۰۰۰۳۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۰	۰٫۰۱	۰٫۰۲	۲۹
خوزستان	۰٫۲۲	۰٫۱۳	۰٫۰۰۰۰۰۲۹	۰٫۰۰۰۰۰۱۳	۰٫۳۲	۰٫۱۶	۷
زنجان	۰٫۰۷	۰٫۰۴	۰٫۰۰۰۰۰۰۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۲	۰٫۲۳	۰٫۰۵	۲۵
سمنان	۰٫۰۹	۰٫۰۴	۰٫۰۰۰۰۰۱۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۱	۰٫۰۶	۰٫۰۴	۲۷
سیستان و بلوچستان	۰٫۱۲	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۱۲	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۱۸	۰٫۰۷	۱۹
فارس	۰٫۲۶	۰٫۱۹	۰٫۰۰۰۰۰۴۱	۰٫۰۰۰۰۰۲۸	۰٫۴۰	۰٫۲۲	۴
قزوین	۰٫۰۹	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۳۳	۰٫۰۷	۱۸
قم	۰٫۱۰	۰٫۰۷	۰٫۰۰۰۰۰۱۰	۰٫۰۰۰۰۰۰۴	۰٫۲۹	۰٫۰۸	۱۲
کردستان	۰٫۰۹	۰٫۰۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۵	۰٫۰۰۰۰۰۰۲	۰٫۳۴	۰٫۰۶	۲۱
کرمان	۰٫۱۵	۰٫۱۰	۰٫۰۰۰۰۰۱۴	۰٫۰۰۰۰۰۰۷	۰٫۳۴	۰٫۱۱	۹
کرمانشاه	۰٫۱۰	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۷	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۳۳	۰٫۰۸	۱۳
کهگیلویه و بویراحمد	۰٫۰۸	۰٫۰۲	۰٫۰۰۰۰۰۱۳	۰٫۰۰۰۰۰۰۰	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۳۱
گلستان	۰٫۱۱	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۸	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۲۹	۰٫۰۷	۱۴
گیلان	۰٫۱۵	۰٫۱۱	۰٫۰۰۰۰۰۱۳	۰٫۰۰۰۰۰۱۰	۰٫۴۳	۰٫۱۳	۸
لرستان	۰٫۰۹	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۳۱	۰٫۰۷	۱۷
مازندران	۰٫۲۴	۰٫۱۶	۰٫۰۰۰۰۰۹۴	۰٫۰۰۰۰۰۲۱	۰٫۱۸	۰٫۱۸	۵
مرکزی	۰٫۰۹	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۲	۰٫۲۹	۰٫۰۷	۲۰
هرمزگان	۰٫۱۱	۰٫۰۵	۰٫۰۰۰۰۰۱۲	۰٫۰۰۰۰۰۰۲	۰٫۱۵	۰٫۰۶	۲۲
همدان	۰٫۱۰	۰٫۰۷	۰٫۰۰۰۰۰۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۴	۰٫۴۱	۰٫۰۸	۱۱
یزد	۰٫۱۰	۰٫۰۶	۰٫۰۰۰۰۰۰۹	۰٫۰۰۰۰۰۰۳	۰٫۲۷	۰٫۰۷	۱۵

باتوجه به نتایج مدل واسپاس سطح‌بندی توسعه استان‌های کشور بر مبنای شاخص‌های اجتماعی در سه سطح توسعه‌یافته (برخوردارترین، برخوردار)، در حال توسعه (متوسط) و توسعه-نیافته (محروم، محروم‌ترین) تقسیم‌بندی شد. شکل ۴ سطح توسعه استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.



شکل ۴. سطح‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اجتماعی

طبقه‌بندی مناطق به لحاظ برخورداری نیز نشان می‌دهد استان تهران در بالاترین سطح برخورداری و رتبه اول قرار دارد. در سطح دوم برخورداری استان‌های خراسان رضوی، اصفهان و فارس قرار دارند. در سطح سوم و برخورداری متوسط استان‌های مازندران، آذربایجان شرقی، خوزستان، گیلان و کرمان قرار دارند. در سطح چهارم و محروم استان‌های آذربایجان غربی، همدان، قم، کرمانشاه، گلستان، یزد، اردبیل، لرستان، قزوین، سیستان و بلوچستان، مرکزی، کردستان، هرمزگان و بوشهر جای گرفته‌اند. استان‌های البرز، زنجان، چهارمحال بختیاری، سمنان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد عنوان محروم‌ترین مناطق کشور از لحاظ شاخص‌های اجتماعی محسوب می‌شوند.

جدول ۶. سطح بندی نهایی استان‌ها بر اساس شاخص‌های اجتماعی

ردیف	سطح توسعه	تعداد استان	اسامی استان‌ها
۱	بالا ترین	۱	تهران
۲	بالا	۳	اصفهان، خراسان رضوی، فارس
۳	متوسط	۵	مازندران، آذربایجان شرقی، گیلان، کرمان، خوزستان
۴	پایین	۱۴	آذربایجان غربی، همدان، قم، کرمانشاه، گلستان، یزد، اردبیل، لرستان، قزوین، سیستان و بلوچستان، مرکزی، کردستان، هرمزگان، بوشهر
۵	پایین ترین	۸	البرز، زنجان، چهارمحال بختیاری، سمنان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد

نتیجه گیری

در طول چند دهه اخیر، برخلاف اینکه توسعه متوازن همواره موضوع روز و مورد بحث نهادهای سیاستگذار و برنامه ریز منطقه‌ای بوده و تدابیر متعددی برای کمک به توسعه مناطق در حال رشد و خروج از عقب ماندگی و رسیدن به رشد مطلوب اندیشیده شده است. اما وضعیت کنونی مناطق ایران نشان می‌دهد نسبت به چند دهه پیش نه فقط به لحاظ پیشرفت کمی، بلکه در بسیاری از موارد کیفیت زندگی وضع نامطلوبتری هم یافته است، در بهترین حالت می‌توان گفت اوضاع کم و بیش ثابت مانده است و مناطق عقب مانده هنوز نتوانسته‌اند از مدار عقب افتادگی خارج شوند. مطابق با یافته‌های بررسی حاضر استان‌های پرجمعیت که شامل استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، تهران و فارس است. از سطح توسعه اجتماعی بالاتری برخوردارند و سایر استان‌های ایران از سطح توسعه اجتماعی متوسط و پایین تر برخوردارند. در این میان، ۱۴ استان با سطح توسعه پایین شامل استان‌های آذربایجان غربی، همدان، قم، کرمانشاه، گلستان، یزد، اردبیل، لرستان، قزوین، سیستان و بلوچستان، مرکزی، کردستان، هرمزگان و بوشهر، و ۸ استان با سطح توسعه پایین تر شامل استان‌های البرز، زنجان، چهارمحال بختیاری، سمنان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد نیازمند توجه ویژه، سیاست‌ها و برنامه‌های کارآمد برای توسعه اجتماعی سریع تر و مؤثرتر می‌باشند. به طور کلی، ۳/۲۳ درصد استان‌ها در سطح بالاتر توسعه اجتماعی، ۹/۶۷ درصد در سطح بالای توسعه اجتماعی، حدود ۱۶/۱۳ درصد استان‌ها در سطح متوسط، ۴۵/۱۶ درصد استان‌ها

در سطح پایین و همین‌طور ۲۵/۸۱ درصد استان‌ها در سطح پایین‌تر توسعه اجتماعی قرار دارند. مقایسه نتایج پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه در دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد نتایج پژوهش همراستا با نتایج مطالعات محققان قبلی است، که همگی بر عدم تعادل و توزان در درجه توسعه‌یافتگی در سطوح درون و برون‌منطقه‌ای تأکید دارند. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد مناطق مرکزی و قطب‌های توسعه در ایران با وجود گذشت چندین دهه هنوز هم با اختلاف زیادی در سطوح بالای توسعه قرار دارند که نه تنها به تراوش سطوح توسعه-یافتگی به مناطق پیرامونی منجر نشده‌اند، بلکه فاصله خود را نیز افزایش داده‌اند و این امر از نکات شایان توجه این پژوهش است که در سطح‌بندی مناطق نیز دیده می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش حاضر برخلاف بر نظریه‌های توسعه منطقه‌ای از جمله قطب‌رشد، مرکز پیرامون، تمرکزگرایی و سایر نظریه‌ها و رویکردهایی هستند که بیان کردند توسعه از مناطق مرکزی به مناطق پیرامونی در بلندمدت پخش خواهد شد. توسعه منطقه‌ای در ایران نیازمند اتخاذ استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) است. راهبرد توسعه منطقه‌ای الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی است که در چالش برای مواجهه با مسائل جدید و پیچیده منطقه از دهه ۱۹۹۰ به این سو، در برخی کشورهای جهان با عنوان ابزار و چارچوب سیاستی توسعه منطقه‌ای به کار گرفته شده است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱). راهبرد توسعه منطقه‌ای به عنوان ابزاری ضروری برای دولت‌ها به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابری برای همه مناطق مطرح است. این راهبرد بر اهمیت برنامه‌ریزی هماهنگ تأکید می‌کند و در نهایت، به مثابه ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود (پژوهان، ۱۳۹۳). این رویکرد به عنوان سندی مدون عملکردی راهبردی برای برنامه‌ریزی دارد، که بر مسائل مهم منطقه تمرکز کرده، و در سطح ملی به دنبال کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای است. اهداف اصلی راهبرد توسعه منطقه‌ای عبارت‌اند از تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص (DRD, 2008: 1). جهانی‌شدن، نومنطقه‌گرایی و رقابت‌های منطقه‌ای، بحران‌های اقتصادی، مخاطرات محیطی، بحران انرژی و مسائل اجتماعی، استراتژی توسعه منطقه‌ای را به عنوان الگویی نو در برنامه‌ریزی منطقه‌ای قرار داده است.

منابع

- ایزدی، ملیحه و محمدی، جلال (۱۳۹۲). تحلیلی بر سطح توسعه‌یافتگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیلی عاملی. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، دوره ۴، شماره ۱۶، صفحات ۸۹-۱۰۴.
- بابایی فرد، اسداله (۱۳۸۹). توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران. *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صفحات ۷-۵۶.
- میرزازاده حجت و پریزادی، طاهر (۱۳۹۷). توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، دوره ۱۸، شماره ۵۰، صفحات ۱۷۹-۱۹۸.
- پژوهان، موسی (۱۳۹۳). راهبرد توسعه منطقه‌ای RDS و راهبرد شبکه منطقه‌ای RNS: مقدمه‌ای بر ادغام یک دستورالعمل توسعه‌ای در یک پارادایم نظری. *همایش ملی نظریه‌های نوین در معماری و شهرسازی*، قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴). توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۲، صفحات ۱-۲۳.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد، صالحی، اسماعیل و دیناروندی، مرتضی (۱۳۹۱). سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی. *آمایش سرزمین*، دوره ۴، شماره ۲، صفحات ۵-۲۶.
- جغتایی، فائزه، موسوی، میرطاهر و زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۵). ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه. *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صفحات ۵۵-۸۸.
- حکمت‌نیا، حسن، طاوسیان، علی، الهوردی، مرادعلی و رضایی، حجت (۱۳۹۴). تحلیل فضایی توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۹، شماره ۳، صفحات ۹۹-۱۲۸.
- رزمی، جعفر، رضایزدی، سارا و انوری، منا (۱۳۸۷). معرفی شاخص‌های ارزیابی و بررسی روند توسعه پایدار شهری در کلان‌شهر تهران. *فرآیند مدیریت و توسعه*، دوره ۲۱، شماره ۱، صفحات ۵-۳۰.
- زنگنه، مهدی (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور. *جغرافیا و*

- توسعه فضای شهری، دوره ۳، شماره ۱، صفحات ۱۶۰-۱۴۹.
- ساسان‌پور، فرزانه و حاتمی، افشار (۱۳۹۶). تحلیل فضایی رقابت‌پذیری آموزشی استان‌های کشور. *اقتصاد و مدیریت شهری*، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحات ۴۵-۶۱.
- شکویی، حسین و کاظمی محمدی، سید مهدی (۱۳۸۳). مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار شهری (پژوهش موردی قم). *مجموعه مقالات همایش شهرسازی ایران*، شیراز.
- فاضلی، محمد، فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، سیده نسترن (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان. *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۱۵۹-۱۸۲.
- فتح‌اللهی، جمال، کفیلی، وحید و تقی‌زادگان، علی‌رضا (۱۳۹۶). شکاف توسعه استان‌های ایران. *پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، دوره ۵، شماره ۲، صفحات ۹۹-۱۱۸.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، حسینی، علی، عشورنژاد، غدیر، سلیمانی، هادی، شیری‌پور، مهدی و احمد توزه، واحد (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی توسعه سکونتگاهی در نواحی شهری استان آذربایجان شرقی با ترکیبی نوین از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. *آمایش جغرافیایی فضا*، دوره ۵، شماره ۱۷، صفحات ۲۸-۵۴.
- کلانتری، خلیل و عبدالله‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۱). *برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین*. چاپ اول، تهران: انتشارات پردیس دانش.
- کنیسی، عبدالکاسم (۱۳۸۹). شاخص‌های توسعه انسانی در استان‌های ایران. *فصل‌نامه علوم بهداشتی*، دوره ۲، شماره ۲، صفحات ۵۵-۶۲.
- کاظمی، مهدی و زمانیان، غلامرضا (۱۳۸۴). تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان. *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۳، شماره ۵، صفحات ۱۶۰-۱۴۱.
- گریفین، کیث و مک کنلی، تری (۱۳۷۷). *توسعه انسانی: دیدگاه و راهبرد*. ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: انتشارات وداد.
- لفت و بیچ، آدریان (۱۳۸۳). *دموکراسی و توسعه*. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
- مابوکونج، آل؛ آرپی میسرا (۱۳۶۸). *توسعه منطقه‌ای روش‌های نو*. ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات برنامه و بودجه.

- محمدی، علیرضا (۱۳۹۲). راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS). اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران.
- میسرا، آرپی (۱۳۶۴). مفهوم توسعه، مشخصه‌های جامعه عقب‌افتاده. مجله جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، شماره ۷۶، صفحات ۱۵-۱۲.
- نویخت، محمدباقر، غلامی نتاج، سعید و حسنی، زهرا (۱۳۹۰). کارکردهای الگوی توسعه. راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۶۱، صفحات ۲۳۱-۲۱۳.
- هاروی، دیوید (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر. ترجمه محمدرضا حائری، فرخ حسامیان و بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- هیلهورست، جوزف (۱۳۷۰). توسعه منطقه‌ای برداشتی سیستمی. ترجمه غلامرضا شیرازیان، مرضیه صدیقی و ابوالقاسم حسینیون، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- یاسوری، مجید، حاتمی‌نژاد، حسین و اسدزاده، هانیه (۱۳۹۴). تمرکزگرایی در تهران روندها و سیاست‌ها. تهران: انتشارات سیمای دانش.

References

- Apostolache, M. A. (2014). Regional development in Romania—from regulations to practice. *Procedia Economics and Finance*, 8, pp. 35-41.
- Babaie Fard, A. (2010). Cultural development and social development in Iran. *Social Refah Journal*, 10(37), pp. 7-56 (in Persian).
- Bellù Lorenzo, G. (2011). Development and development paradigms a (reasoned) review of prevailing visions. *Food and Agriculture Organization of the United Nations*, FAO Issue Papers EASYPol Module.
- Borgatta, E., Montgomery, F., & Rhonda J. V. (2000). *Encyclopedia of sociology*. Vol. 1, London and New York: Macmillan Reference USA.
- Bryman, A. (1999). *Quality and quantity in social research*. London: Unwin Humanly Press.
- Dupont, V. (2007). Do geographical agglomeration, growth and equity Conflict?. *Regional Science*, 86(2), pp. 193-213.
- Estes, R. I. (2001). *Social welfare and social development: Partners or competitors*. University of Pennsylvania.
- Fatolahi, J., Kafili, V., & Taghizadeghan, A. (2017). Development divides in Iran Provinces. *Journal of Economic Development and Planning*, 5(2), pp. 99-118 (in Persian).
- Fazeli, M., Fatahi, S., & Zanjan Rafiee, S. (2013). Social Development, Indicators and Status of Iran in World. *Journal of Socio - Cultural Development Studies*, 2(1), pp. 159-182 (in Persian).

- Gilbert, A., & Gugler, J. (1984). *Cities, Poverty and Development: Urbanization in the Third World*. London: Oxford University Press.
- Griffin, K., & McKinley, T. (1994). *Implementing a human development strategy*. Springer.
- Harvey, D. (2010). *Social justice and the city*. Vol. 1, Georgia: University of Georgia Press.
- Hekmatnia, H., Tavousian, A., Alahverdi, M. A., & Rezaie, H. (2015). Spatial analysis of development the township of Yazd province with emphasis on cultural factors. *MJSP*, 19(3), pp. 99-128 (in Persian).
- Hilhorst, J. G. M. (1967). *Regional development theory*. Vol. 15, Paris: Mouton & Co.
- Hosseini, A., & Shiri Pour, M. (2015). Analysis and assessment of settlement development on urban area with the new hybrid multi-criteria decision-making methods, A case study: East Azarbaijan. *Geographical Planning of Space*, 5(17), pp. 28-54 (in Persian).
- Izadi, M., Mohammadi, J., & Mohammadi, J. (2013). Analysis of cultural development of Isfahan city using factor analysis method. *Journal of Urban - Regional Studies and Research*, 4(16), pp. 89-104 (in Persian).
- Joghataei, F., Mousavi, M. T., & Zahedi Mazandarani, M. J. (2017). Components and dimensions of social development in development programs. *Social Refah Journal*, 16(63), pp. 55-88.
- Kalantari, Kh., & Abdolazadeh, Gh. (2011). *Spatial and land use planning*. Tehran: Pardis Danesh Publishing (in Persian).
- Kanisi, A. (2010). Human development index in the provinces of Iran. *Journal of Health Science*, 2(2), pp. 55-62 (in Persian).
- Kawachi, I., Subramanian, S. V., & Almeida-Filho, N. (2002). A glossary for health inequalities. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 56(9), pp. 647-652.
- Kazemi, M., & Zamanian, Gh. (2005). An analysis of income distribution in urban regions of Sistan & Baluchistan. *Journal of Geography and Development*, 3(5), pp. 141-160 (in Persian).
- Lees, N. (2010). Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice. *SGIR 7th Annual Conference on International Relations*, Sweden, September 9-11.
- Leftwich, A. (1996). *Democracy and development: Theory and practice*. Boston: Polity Press.
- Lustig, N., & Ruthanne, D. (1998). *The Inter-American Development Bank and poverty reduction: An overview*. Washington DC: Inter-American Development Bank.
- Mirzazadeh, H., & Parizadi, T. (2018). Analysis of factors affecting regional development in Iran. *Scientific Journals Management System*, 18(50), pp. 179-198 (in Persian).
- Misra, R. P. (1992). The concept of development: The characters of third nations. *Journal of Jihad*, 76, pp. 12-15 (in Persian).
- Mohammadi, A. (2013). Regional development strategy. *First national conference of geography, urbanization and sustainable development*. Tehran: Civil Aviation Technology College (in Persian).
- Nobakht, M., Gholami, S., & Hasani, Z. (2011). The applications of development patterns. *Journal of Strategy*, 20(61), pp. 213-231 (in Persian).
- Pacione, M. (2003). *Urban geography, A global perspective*. London: Routledge.
- Panahi, M. (2015). Cultural development, a requirement for economic, social and political development. *Social Development & Welfare Planning*, 6(22), pp. 1-23.

- Pazhohan, M. (2014). Strategies of regional development and strategies of regional network: an introduction to a combination of development agenda in a theoretical paradigm. *National Conference of New Theories In Urbanization and Architecture*, Gazvin: Azad Islamic University, Gazvin Branch (in Persian).
- Pourasghar Sangachin, F., Salehi, E., & Dinarvandi, M. (2012). Measurement of the development level of Iran's provinces with factor analysis approach. *Town and Country Planning*, 4(7), pp. 5-26 (in Persian).
- Purohit, B. C. (2008). Health and human development at sub-state level in India. *Journal of Socio-Economics*, 37, pp. 2248-2260.
- Razmi, J., Reza Yazdi, S., & Anvari, M. (2008). Introduction of evaluation indicators and investigation of the urban sustainable development process in Tehran. *Journal of Management and Development Process*, 21(1), pp. 5-30 (in Persian).
- Sasanpour, F., & Hatami, A. (2017). The spatial analysis of educational competitiveness of Iran provinces. *IUESA*, 5(19), pp. 45-61 (in Persian).
- Shakouie, H., Kazemi Mohammadi, S. (2012). The social and economic indicators of urban sustainable development case study: Qom. *National Conference of Iran Urbanization*, Shiraz (in Persian).
- UNCRD (1988). Regional development dialogue. *International Journal Publishing High Quality*, 7(1), pp. 31-32.
- UNIRSD (2016). *Transformations to equity and sustainability: UNIRSD Strategy 2016-2020*. Available in: <http://www.unrisd>.
- United Nation (2002). *Financing globe social development symposium February 7*, Annotated Agenda and Progame of work, Department of economic and social Affairs. United Nation, NewYork.
- Verri, L. L. S., & Johnson, R. A. (2007). Confidence bounds and hypothesis tests for normal distribution coefficients of variation, communications in statistics. *Theory and Methods*, 36, pp. 2187-2206.
- World Bank, Operations Evaluation Department (2005). Putting social developmentto work for the poor: *An OED Review of World Bank Activities*. Washington DC.
- Yasouri, M., Hataminejad, H., & Asadzadeh, H. (2015). *Concentration in Tehran, trends and policies*: Tehran: Simaie Danesh Publishing (in Persian).
- Zanganeh, M. (2016). Evaluation and analysis of human development indices in urban areas. *Journal of Geography and Urban Space Development*, 3(1), pp. 149-160.